

از: حسین ثقفی اعزاز

توضیحاتی در خصوص

خاطره آقای ع. هادی

و مبحث

روح‌شناسی و ارتباط با ارواح

شوشگاه علم‌مراغی و مطالعات فرهنگی

دو باره معرفه‌الروح تجربتی بپردازم این نکته را متذکر می‌شوم که انتقال روح انسان به حیوان را نمیتوان به نسخ (تناسخ) نسبت داد چه آنرا نسخ گویند و اصولاً انجمن مذکور هیچگاه بمسخ معتقد نبوده است و هیچ فلسفه - علوم و یا دینی جز فرقه‌ای از هندوان آنرا قبول نداشته و مردود دانسته‌اند. حتی نظریه داروین که تکامل حیوانی را بانسان میرسانید نیز در حال حاضر مردود می‌باشد چه رسد بآنکه تکامل انسان بقهرا رود و انسانی با شعور انسانی

د آقای ع. هادی در مقاله شماره گذشته دو باره انجمن معرفه‌الروح ایران که بریاست اعلم‌الدوله ثقفی تشکیل میگردد و تشکیلات و معتقدات اعضاء آن مرقوم داشته بودند که این انجمن به تناسخ معتقد بوده است بدین صورت که هر روح انسان فانی پس از ترک جسم خود ممکن است در زندگانی بعدی در جسم حیوانی ادامه حیات دهد چنانکه شواهد زیادی بر تأیید گفته‌های خود دارند.

اینک قبل از آنکه به مبحث خود

خود به شهور حیوانی مبدل گردد .
 اساساً آن افکاریکه بر مبنای تناسخ پرستان
 قدیم شرح و وصف می شد ، بطوریکه عده
 بی شماری بخصوص در هندوستان یا ایران
 پای بند می باشند امروز دیگر پس از اکتشافات
 زیادی که دانشمندان بتجر به رسانده اند
 منسوخ گردیده است هیچ کس دیگر
 غیر از (نسخ) که امروز آنرا انتقال روح انسان
 و یا حیوان به حیوان و نبات به نبات میدانند
 کلمات مسخ و فسح و رسخ را که همچنان
 از لغت هندی و زبان های دیگر ترجمه کرده اند
 بکار نمی برند مگر کلمه «عودارواح» که روح
 هرا انسانی بانسان عود می کند و هر حیوانی به
 حیوان .

انجمن روحیون مذکور در آن زمان
 بنام «انجمن معرفه الروح تجر بقی» بوده
 است که پس از مستروکس حسن ارتباط با
 قسوطی سیکار چوبین بوسیله پلانشت
 «Planchette» کلمات را کشف می نمودند .
 پلانشت تخته ایست که قسمت جلوی آن قدری
 باریک تر و دارای یک فلش فلزی می باشد که
 جلوی هر حرفی مکث می کند و یکی از حضار
 حرف را ثبت می کند . زیر این پلانشت
 چهار عدد گلوله غلطان (بولبرینگ) قرار
 گرفته است تا بطور راحت گلوله ها بجزرکت
 درآید .

این ابزار جدیدالاختراع را مرحوم
 وحیدالدوله هنگامی که برای شرکت در
 انجمنهای روحیون اروپا بخصوص در انجمن
 روحی Glasco شهر گلاسکو انگلستان

هنگام بازگشت بایران با خود آورده و
 به بعضی از اعضاء انجمن هدیه نموده بود
 که یکی از آنها به نگارنده داده بودند .
 در این انجمن هیچیک از اعضاء آن عقیده
 به تناسخ نداشته اند و نسبتی که آقای ع.
 هادی در این باره بدانان داده اند خالی از
 حقیقت است و ظن قوی سوء تفاهمی ناشی
 از تصورشان بوده است .

«Transmigration de
 l. amede l و hommin dans
 Celui d'un autre homme»

ولی با اصطلاح امروز عود روح انسان بانسانی
 دیگر را : Réincarnation گویند .
 بهر حال از سایر توضیحاتی که داده اند
 کاملاً معترف بوده جای تردیدی در شرح
 وصف خاطرهایشان برای من باقی نمانده
 جز آن که نام شرکت کننده بلژیکی را فراموش
 نموده اند . او نامش امبرشت (Émbrecht)
 بوده است .

وی یکی از نمایندگان تجاری شرکت
 (دیپلومیات) بوده است که هنگام عزیمت به
 میهن خود (بلژیک) کلکسیون نفیس تمبر
 ایران حکیم الملك را بمبلغ هشت هزار تومان
 خرید .

من خواستم از فروش آن جلو گیری
 بعمل آورم ولی چون حکیم الملك برای ساختمان
 دو طبقه بنای خود در خیابان اکیباتان کس
 بودجه داشت باجبار آنرا بفروخت بعدها
 خود حکیم الملك در نیاوران برایم تعریف

۱- انتقال روح انسان بانسان را به
 اصلاح نسخ دانان:

نمود که در بمباران های شهرهای آنورس
Anvers در بروکسل کلکسیون معروف
حکیم الملك واثامیه امبرشت طعمه حریق گشته
و نابود گردید.

* * *

اینک مقتضی دانستم شمه ای از خاطرات
و افکار و عقیده اعلم الدوله را شرح دهم علت
اینکه دکتر خلیل خان ثقفی (اعلم الدوله)
ضمن پیمودن واپسین کلاسهای دانشکده
طب پاریس بسوی افکار و عقاید علم الروح
گرائیده شد فقط يك سبب داشته است و آن
ناشی از معتقدات معلمش پروفسور دکتر
لوئیس (Luyb) فرانسوی بوده است که در
علوم ماوراء الطبیعه آگاهی کامل داشت و با
توضیحات مکرر خود وی را بعلوم مانیه -
تیسم و هیپنوتیس و سمینا نبولیس و سی کاتری
(Psychetrie) (روحشناسی) آگاه
و بهره مند ساخته بود. پروفسور لوئیس در
دانشکده طب پاریس بوده است که کتاب بسیار
جامعی راجع به جنون و اقسام آن تألیف نموده
است و پس از درگذشت او پروفسور شارکو
(Charcot) جانشینش گردیده بود. دکتر
خلیل خان سی واند ساله جوان را که تازه
از دانشکده طب پاریس فارغ گردیده بود
در این انستیتو (Institute Charcot)
نزد خود برد تا بکارآموزی های مختلف از
قبیل علم مانیه تیسم و علوم فلسفه روحی و
روانشناسی و ماوراء روانشناسی و امثال
آنها را بیاموزد. در همین انجمن بوده است
که زیگمن فروید و شاگردش برکس و
ویلیام کروکس از آن بهره مند گشته بودند
فروید و برکس شاگردش همچنان بادکتر

خلیل خان آشنائی داشتند و بخصوص بسا
برگسون به بحث میپرداخت. دکتر خلیل خان
چهار آن زمان وجه درآینده زندگانی خود
به آثار تمام نویسندگان معرفه الروحی فرانسوی
و حتی کشورهای دیگر پی برده و آنها را به
دقت خوانده بود که پس از درگذشتش پاره ای
را بکتابخانه معرفه الروح اهداء کرده و بعداً
نیز بر مقدار آنان بیش از چهل کتاب افزوده
گردیده است و از جمله کتاب مدبومه های
مشهور ایران است.

(Les grands medeums)

توضیح آنکه قبل از تشکیل انجمن
روحی در منزل مرحوم وحیدالدوله انجمنی
در منزل کلنل محمد باقر خان (پدر سرلشکر
امیر موثق) تشکیل میشد که ریاستش با پدرم
اعلم الدوله بوده است و سرلشکر نخجوان و
رزم آرا نیز و چند نفر دیگر نیز در آن عضویت
داشتند که پس از یکسال ونیم منحل گردید و
انجمن دوم در منزل مرحوم وحیدالدوله
تشکیل یافت. اعضاء این انجمن معتقد به
عود ارواح بوده اند و پیرو پروفسورها و
دکترهای معروف اروپا و آمریکا که در
همین مقاله به آنها اشاره خواهم نمود عقیده
داشتند که روح هر انسان و هر حیوانی به نژاد
خود آن حیوان و هر پرنده و خزنده بنوع
خود بازگشت مینماید. حساب هر نژادی
از نژاد دیگر جدا میباشد و نژاد انسان از هر
جهت مافوق نژادهای حیوانات و پرندگان است
به همین دلیل نویسندگان روح شناس معروف
عصر حاضر در آثار خود همین مطلب را
صریحاً نوشته اند و کاملاً با تناسخ مخالفند

به آن نام بیشتر معروف بود و نام دیگرش «هیپولیت لئون ریویال»

Hippolte Leon - Rivoil

بوده است. وی در سال ۱۸۰۴ متولد و در سال ۱۸۶۹ درگذشت. آآن کار دک‌نخستین ناشر مجلات روحی «Revue Spirite» در پاریس بوده است (ده سال از ماهنامه‌هایش باجلد و بدون کسر در کتابخانه نویسنده این سطور موجود میباشد) افکار روحیش در اوایل آمیخته با آئین کلیسا بوده است ولی رفته رفته مذهب و دیانت را با علم الروح جدا دانسته هر یک را جداگانه محترم میداشت. این اختلاف از انعکاس مقالات روحی مندرج در ماهنامه‌هایش بخصوص اختلاف و سابقه نشر مندرجات نخستین سالهای ماهنامه‌اش با واپسین انتشاراتش به خوبی آشکار می‌باشد. معیناً اکتشافات علمی او در روح‌شناسی بسیار واجد اهمیت بوده است.

اینک انجمن و افکار گابریل دلان (Gabriel Delanne) را مورد بحث قرار میدهم:

انجمن دلان در سال ۱۹۰۵ معروف با انجمن فرانکو بلژ (Franco-Belge) در ویلای با شکوه ژنرال نوئل (Noël) و نیز ژنرال و دکتر دو کرکی (Dr Decrequy) و یکی از صاحب‌منصبان سواره نظام فرانسه و چند نفر از گماشتگان ژنرال شارل ریشه (Charles Richet) که بعدها باخذ جایزه نوبل نائل گردیده بود تشکیل می‌شد. در حقیقت این مهمترین

و من هم بگروه انجمن روحی ایران و علمای امروزی اروپا و امریکا معتقد بوده و نسبتی را که آقای هادی در تناسخ‌گرایی انجمن ایران داده اند مردود میدانم. ضمناً تذکر می‌شود که اعضاء برجسته و منورالفکر و معتقد این انجمن با استثناء چند نفر تازه وارد که هنوز به معرفت الروح تجربیتی پی نبرده بودند و همواره بعقیده خرافاتی خود باقی مانده بودند و برخلاف اعضاء برجسته انجمن (و خود اینجانب حسین تقفی اعزاز) به فال قهوه و شمشید و کف‌بینی و امثال آنها علاقمند بوده‌اند و اما ماها همگی به تلپات و روشن بینی که علماً بشبوت رسیده معتقدیم در اینجا لازم دانستم که بعضی از دانشمندان اروپائی را که تحقیقات و تفحصات در معرفت الروح بعمل آورده و آثاری در این باره منتشر نموده اند معرفی کنم. قبل از پایان قرن نوزدهم چندین انجمن کوچک غیر معروف و همچنان برخی نسبتاً معروف در فرانسه و آلمان و انگلستان و قاره امریکا وجود داشته است که شرح و وصف آن در این مقال گنجایش نداشته و از آن صرف نظر مینمائیم آنچه بیشتر مورد اهمیت بوده از آغاز قرن بیستم میباشد که در حقیقت دوره پیشرفت انکشافات در تحقیق وجود روح و عالم طبقاتی و عودت ارواح به عالم جسمانی میباشد.

نخستین شخصی که در اوائل قرن نوزدهم بیشتر عمر خود را مصروف به اسپریتسم نمود آآن کار دک (Allan Kardec) معروف به پیامبر روشن ضمیر بوده است که

جلسه روحی آغاز قرن بیستم بوده است .
 گابریل دلان و پروفیسور ریشه که از پاریس
 بویلای ژنرال آمده بودند تا در جلسات
 ژنرال شرکت جویند و صحت و سقم ارتباط
 آنها را با ارواح بررسی نمایند . در آن
 تاریخ چنانکه در حال حاضر مرسوم میباشد
 بوسیله مدیوم (Medium) را بابت ارتباط
 انجام می گرفت : مدیوم انجمن مزبور
 بانومی جوان بنام مارت برود (Marth Brud)
 می بود . انجمن مذکور در شهر آلژر
 (Alger) تشکیل می گردید و شهرتش
 منجر به سروصدای زیاد اهالی آلژر گشته
 بود و پیوسته درباره مدیوم مذکور بکنجکاوی
 و گفت و شنود میپرداختند شارل ریشه که شیفته
 و مجذوب این تجمع روحی شده بود همواره
 اعضای انجمن را بادامه ارتباط با ارواح
 تشویق و با خلوص نیت وجود ارواح و
 ارتباطشان را توصیه مینمود و وجود جن و
 پری و یا شیطان و ابلیس را که از موهومات
 و مسائل خرافاتی بوده است بدیشان گوشزد
 مینمود .

در همان اوقات بوده است که گابریل
 دلان پرده از روی حقایق برداشته و کاملاً
 بعود ارواح بعالم جسمانی پی برده بود و
 همکاران را نیز بدان معتقد نموده بود چه
 همگان معتقد بودند که روح انسان به انسان
 و روح حیوان به حیوان عودت میکند و این
 عودهای متوالی فقط بمنظور تکامل و ترقی
 و تمالی اجسام در کره خاکی است و باز گشت
 و انحطاط آن بجسم پست تر بهیچ روی قابل
 قبول نمی باشد .

گابریل دلان تألیفاتی دارد که از
 جمله کتاب مشهورش تحت عنوان «عود ارواح»
 می باشد و در پاریس منتشر شده است این کتاب
 را رضا قلی خان سمصامی (رفیع الملک)
 بمعاذت دکتر خلیل تقفی (اعلم الدوله) ترجمه
 و در تهران منتشر گردیده است .

همزمان با تأسیس انجمن روحی دلان
 انجمن روحی نیز موسوم به تجسّسات معرفه
 الروحی در لندن تشکیل یافته بود .

(Society for Psychical research)

هم مرام و نظیر همین انجمن لندن
 نیز انجمنی در پاریس تشکیل گردیده بود که
 مدیومش بنام اوا (Eva) و بسیار معروف
 بوده است . دانشمندی آلمانی موسوم به
 شیرنگ / نوت زینگ (Schrenck)
 (Notzing) برای تفحصات علمی خود
 درباره تشکیلات روحی چندی اوقات خود
 را در پاریس گذراند و مدتی به اعمال مدیومی
 او پرداخت و در پایان هر دو طریق فیزیکی
 و روانی او را صحنه گذارد و با اصطلاح امروزی
 (جسمی و روحی — Animisme)
 (Spiritisme) و انجمن را ترک نمود .
 پروفیسور نت زینگ آثار بی زبان آلمانی
 دارد از جمله ترجمه یکی از آنها را بفرانس
 نزد خود نگاه داشته ام که مربوط به تجسم
 روحی است باین معنی که ارواح به کمک
 سیاله (Fleude) اشخاص زنده که مخلوط
 با سیاله روحی خودشان میشود متجسم میشوند
 و در مجالس روحی گهگاه میتوان آنان را با
 تجسم مادی خود آنان را مشاهده نمود و
 از آن سهل تر بوسیله دوربین عکاسی مخصوص

(Photo Transcendantale)

دوربین ماوراء الطبیعه میشود از ارواح عکس برداری نمود . این نکته را خاطر نشان مینماید که در طول مدت جنگ اول بین المللی اعمال فیزیکی که از آنیمسم **Anemisme** سرچشمه میگردد بسیار رواج داشت و چون قادر بر ارتباط صحیح و واقعی با ارواح نداشتند علاقه مندان با ارتباط با ارواح رفته رفته از آن قبیل انجمن ها روگردان گشته بودند .

چنانکه در خود ایران هم این عملیات کم و بیش در حال وقفه مانده به نتیجه کامل مطلوبی منجر نمی گردید . هر کس بقول آنان با حضار ارواح میپرداخت در صورتی که همین کلمه متداول و احضار ارواح ایران غلط است مگر ارواح طبع ما زندگانند تا با حضار ما اطاعت کنند در صورتیکه باید کلمه «ارتباط» را بکار برند .

لئون دنی (Leon Denis) محرز و یارو هم مسلک الان کاردک (Allan Kardek) (پیامبر روشن ضمیر) بود . وی در روز اول ژانویه ۱۸۴۶ در ایالت لورن متولد گردیده بود، پدرش کارگراه آهن بوده است . در خردسالی بواسطه فقر خانوادگی نتوانست آنطور که باید بتحصیل ادامه دهد. در هر صورت از کتابخوانی دست برنمیداشت و هن غیر رسم بلوم فلسفی و مذهبی بیاری معلمش آلان کاردک بتجسس علمی میپرداخت و با هوش و فراستی که داشت بحقائق کائنات و علوم ماوراء الطبیعه پی برده بود . در سن ۲۴ سالگی همزمان با جنگ ۱۹۷۰ با سمت نیابت (ستوانی) بدسته گارد امپراطوری پیوست و مشغول

خدمات نظامی گردید و از مجروحین پرستاری میکرد و از همان اوقات بود که با تجارب حاصله از زمان ارتباطش با معلمش آغاز به روانکاو فیزیکی و روحی و حتی ارتباط با ارواح نموده بود و در جریان همین جنگ یکی از سر جوخه ها را بوسیله هیپنوتیسم مدیوم قرار داده بوسیله او کم و بیش ارتباطاتی انجام میداد و یکی از خانه های قدیمی و متروکه را برای انجام تجارب روحی خود انتخاب نموده بود .

لئون دنی در دوران کهولت آثار گرانها بخصوص کتاب « پس از مرگ » را از خود باقی گذارد .

این کتاب پس از مرگ را فرزند مرحوم منصور الحکمه از فرانسه ترجمه و منتشر ساخت و اعلام الدوله آنرا یاری نموده تقریظی نیز بدان نوشت (توضیح اینکه مؤلف در دریای مانس غرق شد) .

در جریان بین ۱۹۱۶ - ۱۹۱۸ به پاریس رفت و به توصیه دکتر ریشه (Dr. Richet) بریاست انجمن علمی معرفه الروحی و روانی بین المللی منصوب گردید .

(Institut metapsychique international)
در مجله روحیون کامیل فلاماریون (Camille Flammarion) نوشته است که بیشتر اوقات خود را مصروف به نجوم و آفاق و ستاره شناسی پرداخته بود و در عین حال بلوم ماوراء الطبیعه روحی نیز پرداخته بود

و کتابهای روحی نسبتاً خوبی دارد که اغلب آنها به فارسی ترجمه شده است. در یکی از انجمنهای روحی که باروحش تماس گرفته بودند اظهارندامت میکرد که درعلوم معرفه-الروحي کمتر از نجوم خبرویت داشته در صورتیکه زحمات و رنجی که در نجوم کشیدم هر چند تا اندازه ای مثمر تر بوده است ولی از علوم معرفه‌الروحي که موجب تذهیب اخلاق است قصور ورزیدم و بهمین جهت تکامل روحیم چندان پیشرفت ننموده است. از جمله روح شناسان و معتقدان بدان که تألیفاتی هم دارند میتوان نام سر کین دو یال Sir Cenani Deoyle و ژولی Geley و دوریل Duvrille و پاپوس Papus و ویلیام William را نام برد. کروکس بوسیله آمبول کروکس Krookes به گوستا و لوپن Gustave le Bon وجود روح را ثابت نمود و گوستا و لوپن در آخرین اثرش اعتراف نموده است.

از مشهورترین دانشمندان روحی اروپا ارنستو بوزانو Ernesto Bozzano ایتالیائی میباشد که آثارش بسیار مفصل و بیشتر آنها بفرانسه ترجمه شده است. مهم‌ترین آنها را جمع به عود ارواح (Réincarnation) عمومی است که معتقد است روح انسان به انسان و روح حیوان پرنده به پرنده بطور متمادی تا سرحد تکامل عودت می کند دائماً میمیرد و بمال خاکی باز میگردد و هر سه کتابها را به زبان فرانسه در کتابخانه خود حفظ نموده ام یکی مربوط به انسان است

یکی مربوط به عود حیوانهای وحشی و سومی مربوط به عود پرنده گان است و شنیده ام که کتاب عود انسانش بسیار مفصل و در چندین مجلد است فرانسه آن بسیار مختصر است. دکتر استارک (Starke) نیز از دانشمندان معتبر روح شناس می باشد که مبنای آثارش مربوط به عکاسی از ارواح میباشد و شرح بسیار جالب است. درباره عکاسی از ارواح نگارنده کتاب مصور بخصوصی بفرانسه دارم شرح وصف آن از حوصله این مقال زائد میباشد. از برجسته گان معرفه‌الروحي فرانسه

آقای آشیل برنی ایس Achille Borynis میباشد که یکی از آثار مصورش که در ۱۹۲۴ بچاپ رسیده نزد نگارنده موجود است. این دانشمند را در سال ۱۹۲۷-۱۹۲۸ که با پدرم اعلم الدوله در پاریس بودم دو بار ملاقات نمودم و شرح این ملاقات بقرار زیر است:

در صفحه سفید کنار کتاب معروف اشیل برنی ایس Achille Borynis موجود در کتابخانه ام شرح ذیل را نوشته ام: این جانب حسین ثقفی اعزاز پسر دکترا اعلم الدوله ثقفی عامری که در بیست سال واپسین حیاتش رئیس انجمن معرفه‌الروح تجربتی ایران گردیده بود و در خانه پدر رزم آراء و کلنل محمد باقر خان پدرا میرموتق و بعد در منزل وحید الدوله وسعت بود در حضور اسپریت های ایران شرکت میجست با اتفاق هم عازم پاریس گشته بودیم چند ماهی به تقویت دیدگانم پرداخته بودم و نزد کحالهای معروف به معالجه میپرداختم تا آن که پس از قراغت بقیه در صفحه ۱۱۹

فال قهوه

جای مهندس جلو دؤید فرمودند . . مگر تو مهندسی و محکم بادست مشت کرده زدند به سینه آقای خسروانی . مهندس در این موقع رسید و شاهنشاه رو از خسروانی برگردانده بامهندس شروع به گفتگو نمودند. آقای خسروانی دید که توجه شاهنشاه به جای دیگر معطوف شده است عقب عقب آمده و از ساختمان خارج شد موقمیکه از ساختمان خارج می شدند من گفتم با اینکه ملاحظه نمودید دو قسمت از پیش بینی خانم عملی شد با آن تأکید می که خانم بشما کرد چرا فراموش نموده جلو رفتید ؟ گفت پیش بینی خانم نیایستی رخ دهد من بکلی فراموش نمودم اگر فراموش نمی کردم پیش بینی فال قهوه خانم حقیقت پیدا نمی کرد و نیایستی این پیش آمد بشود این بود فال قهوه خانم مهندس والتر که پس از ۱۴ ساعت عیناً و دقیقاً پیش بینی های او جامه عمل بخود ببوشید و اسباب حیرت همه ما شد .

توضیح: در شماره هشتم تاریخ مسافرت به شمال و تأموریت برای ساختن خانه ها سال ۱۳۱۲ چاپ شده بود در صورتیکه باید بهمن سال ۱۳۱۳ باشد .

بقیه توضیحاتی در خصوص و بهبود دیدگان یکمک آقای کحال آقان و برادرش از اندکس موجوده در مهمانخانه واقع در خیابان مدارس، که ما و ایشان رو بروی هم اقامت گزیده بودیم نشانی آقای آشیل برنی ایس را یافتیم و بعد با پدرم به ملاقاتش رفتیم و او با کمال خوشروئی از ما پذیرائی نمود و باردوم بوسیله مدیوم خود که يك بانوی فرانسوی بود ارتباط با روحی فرانسوی که همیشه بجلسه ایشان ظاهر میشد تماس حاصل شد ترتیب این ارتباط بدین صورت بود که ابتدا آقای آشیل برنی ایس خانم را هیپنوتیزه میکرد و پس از آن که خانم بحال خلسه (Trano) میرفت ، پروفسور بوسیله هر دو دست خود پاس مانیه تیک میداد یعنی سیاله های نامرئی او را با سیاله های جهان جسمانی خود مزوج نموده بجانب مدادی که در روی کاغذ گذارده بود و کاغذ در وسط میز بوسیله ۴ پونز نصب شده بود دفعتاً مداد را از روی کاغذ بلند میکرد و هر گاه فلوئیدها کم و کسر میشد مداد می افتاد در مواقعی که پاس مانیه تیک خوب انجام میگرفت مداد بطور مسلسل مطالب خاصه روح فوق الذکر را بر کاغذ منعکس مینمود این نوشته پس از کاغذ صفحه بقدری با خط زیبایی فرانسه یعنی بخط زندگانی جسمانی همان روز تحریر یافته بود که واقماً موجب تعجب پدرم و من گشته بود و مطالب دیگری چون غیب گویان درباره تشکیلات انجمن مرفقه الروح ایران ما در پرونده مخصوص آسیائی شده ثبت نشده بود که بیش از پیش دچار حیرت گشتم.